

از اول تا آخر نصب ما میباشد ، چون راهی را که در پیش گرفته ایم راه حق و حقیقت است .
 از شرح واقعه‌ای که نفرت ملت آذربایجان را برانگیخت نمیتوان خودداری کرد : در حین انجام
 مذاکرات در تهران یکی از سیاستمداران تهران بنمایندگان محترم ما گفت : " شماها که کسی را
 ندارید که لایق استاندار شدن باشد " . و با این جمله به غرور ملی ما توهین کرد ، اگر چه
 از رهبر ما جواب دندان شکنی دریافت کرد . ولی ملت آذربایجان نیز بنوبه خود این سخن زشت
 و بی ادبانه را نمیتوانست بلا جواب بگذارد :

آقای سیاستمدار ! اگر به کتاب تاریخ‌هایی که خوانده ای و یا خواننده‌ای مراجعه
 کنی ، خواهی دید از زمان پادشاهان صفوی که مقدرات سیاسی ما و شما بهم پیوند داده شد تا
 کنون اداره کنندگان ایران بازم از بین مردم آذربایجان برخاسته بودند . حتی امروزه نیز چه
 در داخل و چه در خارج ایران ، اداره پست‌های مهم در دست آذربایجانیان میباشد . در طی
 مدت کوتاهی نظیر ۵ ماه که حکومت ملی برقرار شده به تمام دنیا ثابت شده است که کارمندان
 اداری درستکار و لیاقت‌ما میهنمان را با محبتی بزرگ و صداقتی که لایق خلقمان میباشد
 اداره کرده‌اند . آیا کسی که بخواهد این را انکار کند ، بچشم عناد و جهالت نگاه نمیندند ؟
 " رضا آذری "



مذاکره با تهران تحت شرایط بسیار دشواری ادامه یافت . از آنجا که سران حکومت تهران
 عاجز از درک معنای نهضت‌مان و شرکت خلق در این نهضت بود ، مسئله را سهل می‌انگاشتند . و
 شاید تجاهل کرده و قصد بی ارزش کردن این نهضت را داشتند .

آقای پیشه‌وری که شخصا رهبری نهضت را بعهده داشت ، نمیتوانست مسئله تحقیر کردن نهضت
 را باخونسردی بنگرد . همچنین آقای بادکانسی و دیگر نمایندگان که در بوجود آمدن این نهضت
 جانانه شرکت کرده بودند هرگز راضی نمیشدند که با این نهضت با چشم حقارت بنگرند . بنا بر این
 مذاکرات ۱۵ روز طول کشید و بالاخره هیئت نمایندگی بدون اخذ نتیجه‌ای به تبریز مراجعت کرد .
 جهت اینکه شرح جریان مذاکرات را در دسترس خوانندگان محترم قرار دهیم ، نقلی آقای
 پیشه‌وری را که بعد از مراجعت از تهران در مورد مذاکرات بعمل آورد ، همراه با اعلامیه
 انتشار یافته از طرف هیئت نمایندگی را عینا درج میکنیم :

اعلامیه

درباره مذاکرات نمایندگان آذربایجان با حکومت تهران

بنابعد دعوت نخست‌وزیر ایران، آقای قوام السلطنه در تاریخ ۲۸ - ۲ - ۱۳۲۵، هیئت‌های بریاست نخست‌وزیر حکومت ملی، آقای پیشه‌وری برای حل مسأله آذربایجان و جلوگیری از ریخته شدن خون برادر، بشهران عزیمت نمود. این هیئت با مقامات صلاحیتدار حکومت تهران وارد مذاکره شده و میبایست موافقت‌نامه‌ای تنظیم شده و بموجب اعتبارنامه‌ای که از طرف مجلس ملی آذربایجان بنمایندگان داده شده بود، این موافقت‌نامه بعد از تصویب از طرف مجلس ملی آذربایجان و دولت آقای قوام السلطنه رسمیت پیدا می‌کرد.

از روز دوشنبه ۹ - ۲ - ۱۳۲۵، از ساعت ۵ بعد از ظهر مذاکره بین هیئت نمایندگان آذربایجان و نمایندگان حکومت تهران مرکب از آقایان: مستشارالدوله، فرمانفرمایان، لنکرانی و ابیکجیان آغاز گردید. جلسه اول مذاکرات با بحث درباره مسائل عمومی خاتمه یافت. فردای همانروز، در دومین جلسه، هیئت نمایندگی حکومت تهران، ابلاغیه دولتی قوام السلطنه را که در تاریخ ۱ - ۲ - ۱۳۲۵، تنظیم شده بود، بما نشان داده و جهت مذاکرات بشریح آن پرداختند. متن ابلاغیه بدین قرار است:

((ابلاغیه دولت درباره آذربایجان))

از روز تشکیل دولت فعلی، بمسئله آذربایجان توجه خاصی مبذول داشته و بعد از بررسی نیات و خواستهای آن هموطنان عزیز، هیئت‌وزراء تصمیم گرفت که طبق قانون اساسی و دیگر قوانین وضع شده تا آنجا که به قوه مجریه اجازه میدهد، خواستهای اهالی این ایالت را تامین کرده و آنها را به برادری و اتحاد دعوت بکند. بدین جهت اعلامیه تصویب شده هیئت دولت برای اطلاع عموم منتشر میگردد:

بموجب قانون تصویب شده در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری و اصول ۲۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳ متمم قانون اساسی، اختیارات داده شده به انجمنهای ایالتی و ولایتی در آذربایجان طبق تصمیمات زیر تصریح و تأکید میگردد:

۱ - روسای ادارات کشاورزی، تجارت، صنعت، حمل و نقل محلی، فرهنگ، بهداشت، شهربانی، دادگستری و دادستانی و ناظر دارایی از طرف انجمن‌های ایالتی و ولایتی

- انتخاب شده و مطابق مقررات احکام رسمی آنها از طرف دولت در تهران صادر خواهد شد.
- ۲ - تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی از طرف دولت خواهد بود و همچنین انتصاب فرماندهان قوای نظامی و ژاندارمری از طرف دولت بعمل خواهد آمد.
- ۳ - زبان رسمی آذربایجان مانند سایر نواحی کشور ایران فارسی میباشد و کارهای دفاتر در ادارات محلی و کارهای دوایر دادگستری بزبان فارسی و آذربایجانی (ترکی) صورت میگیرد.
- اما تدریس تا کلاس پنجم ابتدائی در مدارس بزبان آذربایجانی صورت میگیرد.
- ۴ - هنگام تعیین عایدات مالیاتی و اعتبار بودجه کشور، دولت درباره آذربایجان، آبادی و عمران شهرها و اصلاح کارهای فرهنگی و بهداری را در نظر خواهد گرفت.
- ۵ - فعالیت سازمانها و اتحادیههای دموکراتیک در آذربایجان مانند سایر نقاط کشور آزاد است.

- ۶ - نسبت به اهالی و کارکنان دموکراسی آذربایجان برای شرکت آنها در نهضت دموکراتیک در گذشته تضيیقاتی بعمل نخواهد آمد.
- ۷ - با افزایش عده نمایندگان آذربایجان متناسب حقیقی آن ایالت موافقت حاصل است و در بدو تشکیل دوره پانزده (تقنینیه) ، پیشنهاد لازم در این باب بمجلس تقدیم خواهد شد که پس از تصویب ، کسری عده نمایندگان برای همان دوره انتخاب شود.

نخست وزیر - قوام السلطنه

هیئت نمایندگی آذربایجان نیز بخشی از نظریات خود را در ۳۳ ماده به هیئت نمایندگی تهران پیشنهاد کردند تا بنظر حکومت خودشان برسانند . نمایندگان آذربایجان ضمن این ۳۳ ماده ، حفظ وضعیت کنونی در آذربایجان و تحکیم و گسترش اصول دموکراسی را در تمام ایران طبق قرار زیر خواستار شدند :

۳ " برای حل مسئله آذربایجان از راه صلح و مسالمت و رفع اختلافات موجود و برای تحکیم و گسترش دموکراسی در تمام ایران ، در تاریخ ۹ - ۲ - ۱۳۲۵ ، بین نمایندگان صلاحیتدار حکومت مرکزی تهران ، آقایان : صادق صادق (مستشارالدوله) ، فرمانفرماشایان ، ابیکجیان لنگرانی ، سپهر (مورخالدوله) و مظفر فیروز و از طرف دیگر نمایندگان مختار ملت آذربایجان آقایان : پیشه‌وری ، صادق یادگان ، دکتر جهان‌شاهلو ، فریدون ابراهیمی ، صادق دیلمغانی و همچنین آقای محمدصین خان قاضی ، نماینده کردستان آذربایجان مذاکراتی بعمل آمد . نمایندگان مذکور در بالا ، بعد از مبادله اعتبارنامه‌های بی نقص و ایراد خود در

باره مواد زیر موافقت کردند :

- ۱ - نهضتی که در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ در نتیجه فشار حکومت مستبد سابق و ماموران لشکری و کشوری آن و تحریکات دشمنان آزادی و دموکراسی بوجود آمده بعنوان نهضتی مترقی و دموکرات و ضامن آزادی و استقلال و تمامیت ایران شناخته می شود .
- ۲ - آذربایجان که شامل استانهای ۳ و ۴ سابق و ولایت خصه میباشد ، سرزمینی است معین و بصورت حکومتی خودمختار جزو کشور ایران بوده و مرکز آن شهر تبریز است .
" تیسره " - مرکز گردستان آذربایجان شهر مهاباد است .
- ۳ - پرچم و پول آذربایجان ، همان پرچم و پول رایج ایران است . و قوانین جاری در مملکت در صورت عدم مغایرت با آزادی و اختیارات مردم آذربایجان ، در آذربایجان نیز اجرا خواهد شد .
- ۴ - با در نظر گرفتن دو ماده آخری ، برای نظارت و رسیدگی در کارهای داخلی آذربایجان و تصویب بودجه ، هیئتی دموکراتیک بنام " هیئت ملی " با اصول مخصوص و طبق نظامنامه مخصوص انتخاب خواهد شد .
- ۵ - انتخاب تمام روسای لشکری و کشوری و ادارات بعهد هیئت ملی آذربایجان میباشد . این مامورین بعد از انتخاب شدن از طرف هیئت ملی به حکومت مرکزی معرفی شده و برای اجرای تمام قوانین و تصمیمات حکومت مرکزی و هیئت ملی ، تابع هیئت ملی خواهند بود .
- ۶ - هیئت ملی آذربایجان برای عزل و نصب و تعویض و تبدیل مامورین لشکری و کشوری مختار است . و این تغییر و تبدیلات با اطلاع حکومت مرکزی نیز خواهد رسید .
- ۷ - در آذربایجان علاوه بر هیئت ملی ، انجمنهای ولایتی ، محال ، بخش نیز با اصول دموکراسی و با رای مستقیم عمومی (شامل مرد و زن و افراد لشکری) انتخاب شده و ایسین انجمنها در حیطه عمل خود ، یعنی در ولایات ، محال و بخشها برای پیشبرد صحیح کارها نظارت خواهند کرد .
- ۸ - فدائیان و تشکیلات قشون ملی همانطور که هست باقی مانده و در اجرای وظایف خود و دفاع از اصول دموکراسی و حفظ مرزهای مربوطه تابع حکومت ملی آذربایجان خواهند بود .
- ۹ - درجات و مقام های لشکری و کشوری که تاکنون از طرف حکومت ملی آذربایجان داده شده برسمیت شناخته خواهد شد . درجه و مقام افسران دوت پایه مستقیماً از طرف فرماندهی قشون ملی آذربایجان داده خواهد شد . ولی درجات افسران ارشد و زرتراها به پیشنهاد فرمانده قشونهای ملی آذربایجان و بتمویب هیئت ملی خواهد بود .

- ۱۰ - در ادارات دولتی آذربایجان و در هیئت‌های ملی نوشتجات بزرگان آذربایجان و در کردستان آذربایجان بزرگان کردی خواهد بود ولی زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی دولت ایران در نوشته‌های بین‌دولت مرکزی با آذربایجان و کردستان آذربایجان، بزرگان فارسی اشکالی نخواهد داشت.
- ۱۱ - تدریس و تحصیلات در مدارس ابتدائی آذربایجان، بزرگان آذربایجان و در کردستان بزرگان کردی و در مدارس متوسطه و عالی به‌رود زبان آذربایجان و فارسی و یا کردی و فارسی خواهد بود.
- ۱۲ - قوانین تصویب‌شده از طرف مجلس ملی که از طرف حکومت ملی با اجرا درآمده تا زمانی که از طرف هیئت ملی نقض نگردد، باعتبار خود باقی خواهد ماند این ماده درباره کردستان آذربایجان نیز صادق است.
- ۱۳ - املاک خالصه و اراضی دشمنان آزادی و مشروطیت و اموال آنان که بین دهقانان آذربایجان و همچنین کردستان آذربایجان تقسیم شده برسمیت شناخته می‌شود و هجرت نقض و یا پس‌داده نخواهد شد.
- ۱۴ - مبارزه با ترابک، الکل، اختلاس و رشوه و فحشاء و سایر فسادهای اخلاقی، منطبق با قوانین تصویب‌شده ادامه خواهد یافت.
- ۱۵ - واردات هر نوع اجناس لوکس و کالای تجملی و احسانی که در داخل آذربایجان تولید می‌شوند بدون تصویب هیئت ملی ممنوع است.
- ۱۶ - هر نوع مالیات و عوارض، طبق اصول و سیستمی که هیئت ملی تصویب کرده وصول خواهد شد و برای افزایش عایدات دولتی هر قانونی که تاکنون از طرف مجلس ملی آذربایجان تصویب شده و از طرف حکومت ملی آذربایجان با اجرا درآمده است، باعتبار خود باقی خواهد ماند.
- ۱۷ - به آذربایجان و کردستان حق داده می‌شود که نسبت به جمعیت خود، که یک سوم تمام جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، نماینده انتخاب کرده و بمجلس شورای بفرستند. اعتبارنامه‌های صادرشده از طرف انجمن نظار آذربایجان و کردستان که بتصویب هیئت ملی آنها رسیده است در مجلس شورای ملی نمیتواند رد گردد.
- ۱۸ - برای یک شکل گردانیدن انتخابات در تمام نقاط ایران دولت باید متعهد شود که در انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، حقوقی که برای زنان، جوانان و کارکنان لشکری داده است محترم شمرده و در تمام ایران عمومیت بدهد.
- ۱۹ - انتخابات مجلس شورای ملی در تمام ایران باید حداکثر بعد از ۱۰ روز از انتشار اولین اعلامیه انتخابات شروع و حداکثر در عرض یک هفته پایان یابد.
- ۲۰ - ۲۵٪ از مالیات آذربایجان و کردستان بدولت داده خواهد شد. ولی اسامی بعلت

- اینکه خلفای آذربایجان و کردستان جهت کسب دموکراسی و آزادی، متحمل مخارج زیادی شده اند از دادن مالیات معاف خواهد بود.
- ۲۱ - دولت مرکزی متعهد میشود که هرچه زودتر راه آهن تهران تبریز را که تا میان ایجاد شده تا تبریز ادامه دهد.
- ۲۲ - دولت بهیچوجه حق دربارۀ عزل و نصب و تغییر مأمورین دولتی و لشکری ندارد.
- ۳۳ - هیئت ملی آذربایجان و کردستان بایستی اصلاحات فرهنگی، بهداشتی و کشاورزی را آزادانه انجام دهد.
- ۲۴ - ثروت‌های طبیعی و معادن آذربایجان و کردستان فقط مختص رفع احتیاجات آنها بسوده و همچنین اداره کارخانه‌های این نواحی بعهده خودشان میباشد.
- ۲۵ - درمواقع ضروری، نظارت برکارخانه‌های خصوصی و شخصی آذربایجان و کردستان بعهده هیئت ملی و حکومت ملی آذربایجان و کردستان خواهد بود.
- ۳۶ - انتشار تمام مطبوعات در آذربایجان و کردستان با تصویب هیئت ملی آنها خواهد بود.
- تثاثر وسینما و رادیو بزبان آذربایجانی و کردی اداره شده و درمورد سایر زبان‌ها نیز قابل اجرا خواهد بود.
- ۲۷ - اداره تمام بانک‌های کشاورزی و صنعتی (ملی و دولتی) در آذربایجان و کردستان به عهده هیئت ملی آنها خواهد بود.
- ۲۸ - تمام عایدات مالیاتی و عوارض به خزانه‌داریهای محلی آذربایجان و کردستان داده شده و مستقیماً بکارهای ضروری مصرف خواهد شد.
- ۲۹ - دولت مرکزی متعهد میشود که تمام مطالبات خلق آذربایجان را از بانک ملی فوراً پرداخت کرده و سرمایه انتقال داده شده از طرف این بانک را دوباره پس بفرستد.
- ۳۰ - دولت مرکزی متعهد میشود که منطقه‌هایی از استان ۳ و ۴ و ولایت‌خمس از جمله تکاب، سقز، بیجار و سردشت را که در دست دشمنان آزادی است تخلیه کرده و بمقامات صلاحیتدار آذربایجان و کردستان تحویل بدهد.
- ۳۱ - دولت مرکزی متعهد میشود که تشکیلات و اندام‌های مردمی را که سالیان دراز به حقوق مردم تجاوز کرده و فجایمی بیبار آورده است، منحل کرده و بجای آن تشکیلات تنظیمی (شهرستانی) که ضابط دست‌گاه قضایی میباشد بوجود آورده و در تمام قصبات، بخش‌ها و محال گسترش دهد.
- ۳۲ - دولت مرکزی متعهد میشود که درانجمن‌های ایالتی و ولایتی بخش و محال را بسورستی که هم اکنون در آذربایجان برپا شده طبق اصول دموکراسی در تمام ایران تشکیل دهد.

۳۳ - تشکیلات شهرداری باید در تمام ایران بدون دخالت مامورین دولتی و برطبق اصول دموکراسی تشکیل یابد . "

روز سه شنبه ۱۰ - ۲ - ۱۳۲۵ ، در ساعت ۸ آقایان : مورخ الدوله سپهر وزیر پیشه و هنر و تجارت و آقای مظفر فیروز معاون سیاسی آقای قوام السلطنه خود را نمایندگان صلاحیتدار معرفی کرده و ۳۳ ماده فوق بآنها نشان داده شد . فردای آنروز بین آقای پیشه‌وری و آقای قوام السلطنه دوبار ملاقات خصوصی و مذاکره بعمل آمد و بدنبال این مذاکرات ، ابلاغیه‌ای که از طرف هیئت نمایندگان آذربایجان تهیه شده بود بدولت آقای قوام السلطنه ارائه گردید .
متن ابلاغیه چنین است :

" در اثر حسن نیت و بیانیته صادر شده از طرف آقای قوام السلطنه و بعد از تبادل افکار و بررسی عمیق بین نمایندگان دولت مرکزی و هیئت نمایندگان آذربایجان این نتیجه بدست آمد که نهفت دموکراتیک آذربایجان بمنظور تجزیه آذربایجان از ایران نبوده ، بلکه بمنظور تثبیت و تقویت اصول دموکراسی و مشروطیت در ایران بوجود آمده است . برای جلوگیری از هر نوع سوء تفاهم و ریخته شدن خون برادر ، توافق بعمل آمد که بین حکومت مرکزی و خلق آذربایجان هیچ اختلاف اساسی وجود ندارد و برای حل مسائل فرعی يك هیئت نمایندگی از آذربایجان در تهران خواهد ماند تا با نمایندگان حکومت مرکزی کارها را بنحوی که با اصول دموکراسی و مخصوصاً آزادی خلق آذربایجان لطمه نزنند ، حل و فصل نماید . حل تمام مسائل و رابطه اداری با دولت مرکزی بستگی بتصویب هیئت دولت آقای قوام السلطنه و مجلس آذربایجان (فعلاً بجای انجمن ایالتی میباشد) و مجلس شورای ملی دارد . "

در سومین ملاقات بین آقای پیشه‌وری و آقای قوام السلطنه درباره تقسیم اراضی ، اختلاف نظر رخ داد و این مسئله باعث شد که در مذاکرات ۲ روز وقفه ایجاد گردد . بعد از آن برای از سر گرفتن مذاکرات ، دولت آقای قوام السلطنه اصلاحاتی را که میتوانست در ابلاغیه منظور کند بتوسط نمایندگان صلاحیت دار به هیئت نمایندگی آذربایجان ارائه کرد .

((متن ابلاغیه چنین است :))

۱ - شورای ایالتی آذربایجان ، بجای مجلس ملی

۲ - هیئت مدیره آذربایجان ، بجای هیئت وزراء

۳ - روسای ادارات آذربایجان ، بجای وزیران محلی

۱ - عین ماده دولت پذیرفته میشود ولی رئیس دارائی از مامورین محلی انتخاب گردیده و ناظر

دارائی از طرف دولت تعیین خواهد شد .

۲ - استاندار آذربایجان به پیشنهاد شورای ایالتی تعیین شده و حکم آن از طرف دولت صادر خواهد شد . برای حفظ امنیت راهها و برای کمک به مأمورین شهرستانی و مأمورین امرا^{شهر} یک نیروی مسلح بنام تکپان تشکیل می‌کند . فرمانده این نیرو از طرف شورای ایالتی تعیین و برای صدور حکم به وزارت کشور پیشنهاد می‌نماید . قوای لشکری از افراد نظام وظیفه محلی خواهد بود و حفظ مرزها و سرحدات بعهد^ه این نیرو بوده و در مراکز لازم یا نگاهبانی خواهند داشت . فرماندهان این نیروها از افسران صالح و تحصیل کرده محلی بوده و از طرف هیئت مدیره تعیین و حکم آنها از مرکز صادر خواهد شد و تمام گزارشات لازم از طرف فرماندهان متمرکز داده خواهد شد .

۳ - ماده سوم دولت عیناً تصویب می‌نماید .

۴ - مبلق قوانین مملکتی ۷۵٪ از مالیاتهای وصول شده برای پرداخت حقوق کارمندان ادارات^ت و نیروی تکپان ، زیر نظر شورای ایالتی مصرف خواهد شد . شورای ایالتی برای مصرفهای عام المنفعه از مالیات عمومی بشرطی که بیش از ۱۰٪ نباشد ، میتواند بعضی عوارض وضع و مصرف کند .

۵ - عین ماده دولت تصویب می‌نماید .

هیئت نمایندگان آذربایجان این پیشنهاد را با اصلاحاتی در مواد ۱ - ۶ - ۸ - ۱۰ پذیرفته و بدولت ارائه کرد .

« متن پیشنهاد چنین است : »

برای حل مسأله آذربایجان و برای تحکیم اصول دموکراسی در ایران در تاریخ ۸ - ۲ - ۱۳۳۵ مذاکره‌ای بین نمایندگان رسمی دولت ایران و هیئت نمایندگان آذربایجان بعمل آمده و بعد از بررسی عمیق و تبادل افکار چنین نتیجه گرفته شد ، که هیئت دموکراتیک آذربایجان قصد تجزیه از ایران را ندارد بلکه بمنظور محکم کردن اصول دموکراسی و مشروطیت در ایران میباشد . نمایندگان رسمی دولت ایران و هیئت نمایندگان آذربایجان در مواد ذکر شده زیر موافقت کردند :

۱ - ایالت آذربایجان شامل استانهای ۳ و ۴ و ولایت خمسه میباشد .

۲ - بجای اطلاعات مجلس ملی ، شورای ایالتی و بجای هیئت وزراء ، هیئت مدیره و بجای وزراء ، روسای ادارات محلی بکار برده خواهد شد .

۳ - استاندار آذربایجان با پیشنهاد شورای ایالتی شده و حکم آن از طرف دولت صادر خواهد

- ۴ - روسای ادارات دولتی ، بانکها ، محاکم ، دادستانها و رئیس اداره حمل و نقل از طرف شورای ایالتی انتخاب و محکم رسمی آنها از طرف دولت صادر خواهد شد .
 " تبصره " : ناظر دارائی از طرف دولت تعیین خواهد شد .
- ۵ - برای حفظ امنیت راهها و برای کمک به مأمورین شهربانی و مأمورین اجرائیه يك نیروی مسلح بنام نگهبان تشکیل میشود و فرمانده این نیرو از طرف شورای ایالتی تعیین و برای صدور حکم ، به وزیر داخله پیشنهاد میشود . قوای لشگری از افراد نظام وظایف محلی تشکیل و حفظ مرزها بعهده این تشکیلات خواهد بود . فرماندهان پایگاه های این تشکیلات از طرف هیئت مدیره آذربایجان و از افسران صالح محلی تعیین و حکم آنها از مرکز صادر خواهد شد . تمام گزارشات لازم بوسیله فرمانده هتک بمركز فرستاده خواهد شد .
- ۶ - تحصیل در مدارس ابتدائی بزبان آذربایجانی و در مدارس متوسطه به دو زبان آذربایجان و فارسی خواهد بود . کارهای دفتری در ادارات محلی و کارهای دادگستری بهر دو زبان آذربایجان و فارسی صورت خواهد گرفت .
- ۷ - بموجب قوانین مملکت ۲۷۵ از مالیات وصول شده جهت پرداخت حقوق مستخدمین و تشکیلات " نگهبان " و اصلاحات دیگر ، زیر نظر شورای ایالتی مطرح خواهد شد .
- ۸ - تمام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و مالی و تقسیم اراضی که در آذربایجان از طرف نهضت دموکراتیک بعمل آمده ، برسمیت شناخته خواهد شد .
- ۹ - بمتناسب واقعی جمعیت آذربایجان ، با افزایش تعداد نمایندگان موافقت میشود و در بدو تشکیل دوره یازدهم قانونگذاری این پیشنهاد بمجلس داده شده و عده تصویب شده برای همان دوره انتخاب خواهند شد .
- ۱۰ - دولت تعهد میکند که در قانون انتخابات مجلس شورای ملی تجدید نظر کرده و قانون جدید را مطابق شرایط مترقی فعلی و طبق اصول اساسی دموکراسی واقعی (عمومی ، مستقیم ، مخفی ، مساوی و متناسب) تنظیم کرده و برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم کند .
- ۱۱ - این قرارداد بعد از تصویب هیئت دولت ایران و مجلس ملی آذربایجان رسمیت خواهد یافت .
- ۱۲ - مواد این قرارداد به کردستان آذربایجان نیز شامل میگردد .
- این پیشنهاد اساس مذاکرات جدید گردیده و بعد از چهارمین ملاقات و مذاکره بین آقای پیشه‌وری و آقای قوام السلطنه میتوان گفت که در کلیات بین طرفین توافق نظر بعمل آمده و قرار بر این شده که با شرکت آقای مظفر فیروز ، معاون سیاسی قوام السلطنه ، لایحه جدیدی تنظیم شود .

روز پنجشنبه ۱۹ - ۲ - ۱۳۲۵ ، در ساعت ۳۳ معاون سیاسی نخست‌وزیر آقای مظفر فیروز لایحه زیر را تنظیم کرده و نمایندگان آذربایجان ارائه داشت .
 ((متن لایحه)) :

در نتیجه نهفت دموکراتیک اخیر در آذربایجان ، که منظور آن تحکیم اصول آزادی و دموکراسی در تمام ایران میباشد ، بین دولت و نمایندگان آذربایجان بعمل آمد و نمایندگان آذربایجان ابلاغیه ۷ ماده‌ای دولت را پذیرفته و در نتیجه تبادل افکار توافقی نظر حاصل شد .
 موارد زیر که بعنوان مکمل ۷ ماده تنظیم گشته قبول و اجرا میگردد :

۱ - در ماده اول ابلاغیه ، کلمه ناظر مالی به رئیس‌مالية (دارائی) تبدیل و با افزودن رئیس‌اداره اقتصاد و تجارت ، عینا پذیرفته میشود .
 ۲ - استاندار آذربایجان به پیشنهاد انجمن ایالتی آذربایجان و بتصویب دولت تعیین خواهد شد .

۳ - با در نظر گرفتن دگرگونیهای اخیر در آذربایجان ، دولت تشکیلاتی را که در تیر سز انتخاب و تحت عنوان مجلس ملی بوجود آمده بعنوان انجمن ایالتی آذربایجان شناخته و در بدو تشکیل دوره ۱۵ مجلس شورای ملی و بعد از تصویب قانون جدید پیشنهاد شده از طرف دولت در باره تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی طبق قانون جدید هر چه زودتر در آذربایجان انتخابات انجمن ایالتی جدید بعمل خواهد آمد .

۴ - جهت اجرای تصمیمات انجمن ایالتی و بهبود وضع کارها و بویژه نظارت بر مصرف صحیح ۷۵٪ از مالیات اخذ شده ، شورای ایالتی مرکب از استاندار ، روسای ادارات و هیئت‌رئیس انجمن تشکیل خواهد شد تا تصمیمات انجمن را بمرحله عمل درآورد .

۵ - برای تعیین تکلیف کسانی که در نتیجه نهفت آذربایجان برای نظام وظیفه فراخوانده شده‌اند ، موافقت گردید که کمیسیونی مرکب از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و نمایندگان انجمن ایالتی آذربایجان در محل تشکیل شود و با یافتن راه حلی برای این مسئله جهت تصویب بدولت و انجمن ایالتی پیشنهاد خواهد کرد .

۶ - درباره وضع مالی آذربایجان موافقت گردید که ۷۵٪ از مالیات اخذ شده به مصرفهای محلی اختصاص یابد و ۲۵٪ آن برای تامین مخارج عمومی ایران بمرکز فرستاده شود .
 " تبصره " : مخارج و درآمد پست و تلگراف و راه آهن و همچنین کشتیرانی دریایچه رضایه منحصر بدولت خواهد بود و چنین توضیح داده میشود که تلگرافهای انجمن ایالتی و

- ولایتی و ادارات آذربایجان برایگان مخابره خواهد شد .
- ۷ - دولت قبول میکند که در عرض سال جاری بزودی راه آهن میان را به تبریز رسانیده و در انجام این کار طبیعی است که حق تقدم با کارگران و متخصصین آذربایجانی است .
- ۸ - تغییر و ایجاد راههای خوسه اصلی بمعهده دولت و راههای فرعی بمعهده انجمن ایالتی خواهد بود .
- ۹ - تشکیلات فدائی بصورت مجزا از نظام وظیفه و از نیروهای داوطلب تشکیل یافته و به عنوان نیروی نظمیه روستاها درآمده ، و رئیس آن از طرف انجمن ایالتی آذربایجان انتخاب و بتصویب دولت خواهد رسید .
- ۱۰ - تقسیم اراضی بین دهقانان که در نتیجه نهضت آذربایجان بوجود آمده ، در مورد زمینها که مربوط به خالصهجات دولتی است ، موافقت دولت حاصل است . و در اولین فرصت لایحه ای برای تصویب آن بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد کرد . همچنین تقسیم اراضی دولتی بین دهقانان در سایر نقاط ایران نیز در آن لایحه پیش بینی خواهد شد . و درباره سایر زمین های تقسیم شده مالکین بین دهقانان ، جهت اقتناع مالکین ، پیشنهادی بمجلس شورای ملی ارائه خواهد شد .
- ۱۱ - بموجب ماده سوم ابلاغیه ، قرار شد که در آذربایجان زبان رسمی ، زبان فارسی باشد و کارهای دفتری و اداری و دادگستری و دادگاه های آذربایجان ، بزبانهای آذربایجانی و فارسی انجام گیرد . و همچنین تدریس در مدارس تا کلاس پنجم ابتدائی بزبان آذربایجانی و از پنجم ببالا بزبانهای فارسی و آذربایجانی انجام خواهد شد .
- ۱۲ - دولت تعهد میکند که در بدو افتتاح دوره پانزدهم مجلس لایحه قانونی انتخابات را برپایه اصول آزادی و دموکراسی یعنی بصورت عمومی ، مستقیم ، مخفی ، مساوی و متناسب ، که شامل زنان نیز میباشد بمجلس تقدیم و تصویب آن را بفوریت خواستار شود .
- ۱۳ - دولت موظف است که لایحه قانونی انتخابات انجمن شهری را مطابق با اصول دموکراسی (عمومی ، مخفی ، متناسب ، مستقل و مساوی) که تمام استقلال انجمن شهرداری را تامین میکند هرچه زودتر بمجلس تقدیم کند و تا تصویب این لایحه انجمنهای شهری آذربایجان همچنان رسمیت خواهند داشت .
- ۱۴ - مطابق با ماده پانزدهم این موافقت نامه ، اقلیت هاشی که در آذربایجان ساکن هستند مانند کردها ، ارمنی ها ، آسوری ها ، تدریس در مدارس ابتدائی آنها تا کلاس پنجم ابتدائی بزبان مادری آنها انجام خواهد شد .
- ۱۵ - آذربایجان شامل استانهای ۳ و ۴ و ولایت خوسه میباشد .

۱۶ - اجرای تصمیمات این موافقتنامه بمعهده هیئت دولت جناب آقای قوام السلطنه و مجلس ملی آذربایجان (که بعد از تصویب موافقتنامه بموجب ماده ۲ آن انجمن ایالتی نامیده خواهند شد) میباشد .

قرار بود که روز جمعه ساعت ۱۰ صبح جلسه فوق العاده دولت تشکیل شود ، و از نمایندگان آذربایجان نیز در آن شرکت کنند . این جلسه فوق العاده بدون شرکت نمایندگان آذربایجان از ساعت ۱۱ تا ۳/۵ بعد از ظهر طول کشید ، و در نتیجه پیشنهادی که هیئت نمایندگان آذربایجان ، علیرغم تعدیلاتی که نسبت به پیشنهاد های اولیه کرده بودند ، بعلت وجود عناصر مخالف و غیر متجانس در کابینه قوام ، و در نتیجه سببه بازی آنها ، پیشنهاد نمایندگان آذربایجان با اکثریت آراء رد شد . تصمیم دولت ابتدا بوسیله فرمانفرماشان و ایپکچیان وبعد توسط آقای مظفر فیروز به نماینده هیئت آذربایجان ابلاغ گردید ، که هیئت دولت مصمم گشته است که در مواد ابلاغیه افزایش ندهد ، و هیچگونه تفسیری را در مورد آن نپذیرد .

بدین ترتیب مذاکراتی که بین هیئت نمایندگان آذربایجان و مقامات رسمی حکومت تهران شروع شده بود به نتیجه ای نرسید ، و در مذاکره وقفه حاصل شد . نمایندگان آذربایجان در تاریخ ۳ - ۲ - ۱۳۲۵ ، به تبریز بازگشتند ، و بنا به اظهارات رسمی و موافق حکومت تهران ، علت متوقف شدن مذاکرات وجود مقامات غیر مستول و نفوذ فوق العاده عاملین آنها ، که از طرق گوناگون از داخل و خارج هیئت دولت اعمال میگردد ، میباشد .

بدیهی است که هدف اساسی آنها جلوگیری از رشد نهضت دموکراتیک و آزادی واقعی در سراسر ایران بود .

با در نظر گرفتن حسن نیت آقای قوام السلطنه و بعضی از همکاران او ، تصور میکردیم که هنوز کار از کار نگذشته است و باز هم جای امیدواری باقیست که مسئله آذربایجان و حل آن از طریق مسالمت آمیز ، وبدون ریخته شدن خون برادر از طریق مذاکراتی - که در نتیجه سببه های دشمنان آزادی ایران و بعضی عناصر مرتجع متوقف شده بود - مجدداً آغاز گردد . چونکه ما نهضت آذربایجان را ضامن اصول دموکراسی و آزادی و سعادت تمام ایران میدانیم و همچنین ، نهضت آذربایجان امید تمام آزادیخواهان در ایران است و بالاخره موفق خواهد شد که اصول آزادی و دموکراسی را در تمام ایران رشد و توسعه و تعمیم دهد . ولی متأسفانه دیده میشود که هیئت حاکمه مرتجع تهران ، ستونهای زاندارمیری و نظامی را به سرحدات ما گسیل داشته و در سر نقشه های دیگری میپوراند ، که بهیچوجه به صلاح ایران نیست .

ما امیدواریم که اختلاف بین ما و دولت از راه مسالمت آمیز حل گردد . و ما صریحاً میگوئیم

که اگر فدای و اندامی و نظامی دولت به مرزهای ما کوچکترین تعرضی بنمایند ، با تمام نیروی خود بدفاع از آزادی خواهیم پرداخت ، و در این راه حاضر به هرگونه فداکاری هستیم . ما میدانیم که برای رسیدن باین هدف مقدس ، تمام آزادیخواهان ایران حاضرند که با ما در یک جبهه بسر علیه دولت مبارزه کنند . تصور میکنم که با حسن نیت شخصی آقای قوام السلطنه ، کاریابین جاها نکشد .

نخست وزیر حکومت ملی آذربایجان - سید جعفر پیشه‌وری

تیریز ۳۳ اردی بهشت ۱۳۲۵

بیانات آقای پیشه‌وری

((در کنفرانس شخصیت‌های صلاحیتدار خلق آذربایجان))

هنگام ورودمان به تهران ، احساسات اشخاصی که خود را از جنگ و اندام و نگهبان‌ها ساخته ، و بما نزدیک شده بودند ، در جبهه‌هایشان بوضوح دیدیم . شعارهای آزادیخواهان تهران که موفق شده بودند خود را به فرودگاه برسانند ، ما را بختی تکان داد . شعارهای آنها چنین بود : " شما ما را نجات دادید - شما خلق ایران را از اسارت‌رها ساختید - مواظب باشید که اشتباه نکنید ! - آزادیمان به طرز عمل صحیح شما بستگی دارد - زنده باد خلق آذربایجان - زنده باد آزادیخواهان آذربایجان ، مشعلدار آزادی . "

این شعارها موجب سربلندی خلق آذربایجان بوده ، و یکبار دیگر ثابت کرد که این خلق نه تنها برای اداره خود ، بلکه دارای توانایی رهبری بر تمام مردم ایران نیز میباشد - ماهنوز شعارهای روزنامه‌های تهران و دیگر شهرها را که در همان آغاز نهضت‌مانندای " بیاید ما را هم نجات دهید " میدادند ، فراموش نکرده ایم . من متأسفم از اینکه در اینجا باید بگفته‌یکسی از زمامداران ایران اشاره کنم . مذاکرات وقتی به نقطه جدی و حساس خود رسیده بود ، صحبت از جنگ و تعیین استاندار بعیان آمد ، آقای زمامدار گفت : " دربین شما که کسی نیست که بتواند استاندار شود " . یقیناً شما میتوانید حدس بزنید که چه جوابی باو دادم ، نیازی به تکرار آن نیست . بدینوسیله میخواهم شما نشان بدهم ، که حکومت تهران در دست چه افرادی است . و میخواهم بدانید که شاید آن زمامدار عمداً چنین حرفی را آنزده بود . فهم و درک او نمیتواند بیش از این باشد . مردم تهران نیز قادر به دفع چنین زمامدارانی از سرکار نیست .

آیا ناحقی بزرگی نیست که چنین خلقی بما بگوید "شما کارهای بزرگی را که آغاز کرده‌اید نمیه‌کاره گذاشته و تحت‌اداره ما درآید؟ چون ما مرکز ایران مصوب می‌شویم ، بنا براین اشرف مخلوقاتیم ." گفتن چنین حرفی آیا روح هر انسان ساده‌ای را به عصیان در نمی‌آورد ؟ لازم است سخن دانشمند و ریاضی دان مشهور را تکرار کرد : " با اینهمه زمین می‌چرخد " . یعنی خلق آذربایجان خلقی است متمدن ، فداکار ، لایق . او همچنان قادر به اداره خود میباشد . برچمدار آزادی خلقهای ایران نیز هست .

سخن برسر مذاکرات ما در تهران بود . همانطور که میدانید ، کابینه‌های صدر و حکیم‌ی مانند کبک سرخود را زیر برف کرده و با بیخبری از اوضاع دنیا ، بفکر درهم شکستن نهفت ما بزور اسلحه بودند . بنظر آنان خلق آذربایجان عبارت از ذولفقاری ، کور میرجواد (میرجواد کور) ابولقاسم جوان ، امیرنمرت و صادق مجتهدی ، که دشمنان خلق هستند ، میباشد . بنا بر این بجای گوش دادن بخلق ما ، با اشاره انگشت آنان رقصیده و احمقانه بفکر ایجاد عصیان در میان ما بودند . بالاخره ضرب شست فداثیان ما ، آرزوهای آنان را نقش بر آب کرد ، و بالاخره تهران فهمید که اراده خلق آذربایجان را نمیتوان بزور اسلحه درهم شکست .

بنابراین در ارکان ارتجاع اندکی تزلزل بوجود آمد . بالاخره با کمک عناصر آزادخواه حکومت حکیمی ثابت شده و با اکثریت ناچیزی در مجلس ارتجعی ، کابینه قوام السلطنه بوجود آمد . کابینه قوام السلطنه سیاست زور را تغییر داده ، و از طریق راه صلح آمیز آغاز بکار کرد .

از آنجائیکه ما نیز نمیتوانستیم با حکومتی که از در صلح درآمده بود با اسلحه جواب دهیم دعوت رسمی او را قبول کرده و بدستور حکومت ملی و مجلس ملیمان ، برای کسب خواستهایمان از طریق صلح و مسالمت ، بشهران رفتیم .

همه باید این را بدانند که ما از تهران چیز تازه‌ای طلب نمی‌کنیم ، زیرا ما موفق به کسب خواستهایمان شده‌ایم . مسئله‌ای که در مقابل ماست ، مسئله حفظ و نگهداری دست آوردها - یمان ، بدون خونریزی است .

دیگر اینکه فراموش نکرده‌ایم که خواستهایمان را در تمام ایران جامه عمل ببوشانیم . میدانید که تاکنون ما وزارتخانه‌های جنگ و خارجه تشکیل نداده‌ایم . قشونهایمان ، قشونهای خلق نامیده میشوند .

وظایف و مقاصد قشون خلقی ، کاملاً با هدفهای ارتش رسمی دولت مغایرت دارد . قشون خلق نیروی است که جهت تأمین امنیت داخلی و آزادی ملیمان تشکیل شده است .

وبالآخره پرچم ، پول ، عنوانمان براساس تمام ایران است . بنا براین چنین وضعی نمیتوانست مدتی طولانی ادامه یابد . بایستی تکلیفمان با حکومت مرکزی روشن گردد . جهت تعیین همین تکلیف ، دستمحل آمیز آقای قوام السلطنه را رد نکرده و به تهران رفته . حتی خودم ، علیرغم بیماری شدید ، جهت حل قوری مسئله ، به تومپه های پزشکان و دوستان صمیمی عمل نکرده ، فقط دعوت آقای قوام را پذیرفته و همراه هیئت بتهران مسافرت کردم . چه در ملاقات های خصوصی و چه در مذاکرات رسمی ، آمادگی خلعمان را جهت حل مسأله آمیز اختلاف اظهار داشتیم .

آقای قوام السلطنه و سایر نمایندگان دولت عموماً موافق با نظرات ما بودند . لیکن در عمل حاضر نبودند از تصویب نامه ۷ ماده ای دولت قدیمی فراتر بگذارند . شما لابد از اعلام هیئت نمایندگی درباره مذاکرات اطلاع دارید . چنانکه ما سیاست پنهانی نداریم ، شرح مذاکرات را بتمام جهان بیان اعلام کردیم ، که حکومت تهران از ما بعنوان نیروی مغلوب ، تسلیم شدن بدون قید و شرط میخواهد . و این خود وضع مضحکی بوجود آورده بود . ما گفتیم وقتی تصویب نامه دولت همچون آیه آسمانی تغییر ناپذیر است ، پس دعوت مرا نه از ما برای رفتن به تهران چه بود ؟

سخنان مقامات رسمی تهران عیناً مطابق سخنان آقای بیات در تبریز بود . آنها مانند همیشه از قانون اساسی و اصول بحث کرده و با حفظه بازی سعی در سرپوش گذاردن بر مسائل داشتند .

ما از روز اول گفتیم که دیپلمات نیستیم ، ولی از قانون اساسی و سایر قوانین اندازه خود مطلع هستیم .

ما میدانیم که تاکنون اجرای مواد اساسی قانون اساسی مسکوت گذاشته شده ، ما از تغییر قانون اساسی بتفع دیکتاتوری رضاخان بی اطلاع نیستیم . ما از منشأ بی قانونی هائی که ایران را دربر گرفته است ، اطلاع داریم . ما از امریکا نیامده ایم ، ایرانی هستیم و از چگونگی اجرای قوانین در ایران باخبریم ، و اکنون نیز کسانی را که در ایران حکومت میکنند میشناسیم و نظر ملت ایران را درباره آنان میدانیم . بپایید ساده حرف بزنیم ، خلق آذربایجان روزی علیه استبداد قیام کرده و قانون اساسی را بوجود آورد و بنای حکومت ملی را پایه ریزی کرد ولی مرتجعین تهران در طول مدت نیم قرن آن را مسکوت گذاشته و خلق را به حول گوناگون از حق حاکمیت محروم ساخت . و اکنون آذربایجان با جنبش دوم خود به احیای آن حقوق دست زده است . فقط باین خواست باید پاسخ گفت . تقسیم اراضی خالصه و گرفتن اراضی دولتی از

دست‌غاصبین و تقسیم آنان در بین دهقانان و کشاورزان از طرف قانون اساسی منع نگردیده است .
 قانون اراده خلق است . دیگر دهقان آذربایجانی حق خود را کسب کرده است و به اراده خود
 این اراضی را تقسیم نموده است . دولت نیز برای هماهنگ کردن سراسر ایران با آذربایجان ،
 باید این عمل را در کلیه استانها و شهرها انجام دهد .

ما جهت رفع اختلافات انعطاف‌زیادی بخرج دادیم حتی حاضر شدیم از عنوان حکومت‌ملسی
 و مجلس‌ملی صرف‌نظر نمائیم . گفتیم بما امکان دهید تا خلق آذربایجان بتواند توسط انجمن
 ایالتی خود برای انتخاب استاندار و مأمورین اداری پیشنهاد داده و سپس احکام آنان از طرف
 دولت مرکزی صادر شود . به سخن ساده آنان آذربایجان را اداره کنند . حکومت تهران نخواست
 حقوقی را که برای ملک مدنی‌ها ، امیرنصرت‌ها ، مصام‌ها و بختیاری‌ها قائل شده ، برای
 آذربایجان نیز قائل شود . حتی وجود اداره کل زاندارمری را که مغایر با قانون اساسی است
 برای ما بعنوان تشکیلاتی قانونی نامگذاری کرده و خواستند نفوذ و حشمتزای آنرا دوباره به
 آذربایجان بازگردانند . قشونهای خلق را نظام وظیفه‌عادی تلغی نموده و پیشنهاد تعیین فرماندهی
 آنرا از تهران مطرح کردند . ما بخوبی میدانیم که خلق آذربایجان سیمای حقیقی پهلوان پنبه-
 هاشمی را که در سوم شهریور لباس افسری بتن کرده بودند می شناسد . و باز میدانیم که اولاد
 ستارخان دیگر تحمل بقیچه‌کشی نشمه‌های سرهنگ‌های تریاکی تهران را بحمام نخواهد داشت .
 ما پیشنهاد آنان را رد کرده و گفتیم چند نفری از جانب دولت به آذربایجان آمده و در اینجا
 با رضایت طرفین مسئله حل گردد . دیگر اینکه بحکومت تهران اعلام کردیم که قشون آذربایجان
 قشون خلقی و قشون آزادی است . آنرا نمیتوان مجبور به از بین بردن آزادی مردم ایران نمود .
 خلق ما عاجز از اداره قشون خود نیست ، اگر تهران حقیقتاً آذربایجانی را ایرانی بصاب می-
 آورد ، اشخاص پیشنهاد شده از طرف ما را بفرماندهی قشون تعیین نماید . و این مسئله خوشایند
 برای آنها نبود . آنها ایران را عبارت از تهران دانسته و حاکمیت در ایران را تنها از آن
 عده‌ای انگشت شمار میدانند . و دیگر اینکه خواستند بما تفهیم کنند که فرمانده کل قوا
 و بعضی مقامات غیر مسئول باین کار رضایت نخواهند داد .

ما مسئله فرمانده کل قوا را بموجب اساس مشروطه تفسیر میکنیم : بنظر ما فرمانده کل
 قوا تنها حق امضاء فرمان اعلان جنگ در مقابل دول خارجی ، مصوبه مجلس شورای ملی را دارد .
 و دخالت او در کارها بعلت عاری از مسئولیت بودنش مغایر قوانین مشروطه و آزادی است .
 رضاخان از همین اختیارات فرماندهی سو استفاده نموده و تیشه بر تیشه آزادی در ایران زد ، و
 ایران را همانطور که میدانید به فلاکت سوق داد . و حالاً نیز بوجود آوردن فرمانده کل قوا

مطلق برخلاف آزادی ایران و برعلیه خلق ایران است . اگر مقامات غیرمسئول در این امر اصرار ورزند در ایران حوادث بزرگی بوجود میآید و معلوم نیست که این طمع بنفع مقامات مسئول تمام گردد .

مسئله سازی که ظاهراً ساده بنظر میرسید ، بدینصورت تبدیل به سفته بازی شده و بعد از ۱۵ روز معطلی در تهران مجبور به بازگفت به آذربایجان شدیم .
خلاصه کلام : حکومت تهران میخواهد تمام کارهای بزرگی را که آغاز کرده ایم از میسان برداشته و مانند پنج ماه پیش شهرهایمان را به قیستانهایی کهنه تبدیل نموده و خلقمان را که تازه از ظلم و فتنارها گشته اند دوباره زیر سلطه زاندارها ، دزدها ، مختلسین و مامورین جانی درآورد . جان کلام نیز در اینست که بدبختانه قانون اساسی و دیگر قوانین را آلت دست قرار داده اند .

دیگر اینکه مسئله تنها مسئله آذربایجان نیست . سخن برسر آزادی تمام ایران و گسترش آزادیست . امری که هیئت حاکمه تهران و فتوادلای بزرگ و زمینداران را بهراس انداخته است . آنها تحت عنوان قانون اساسی سعی به از بین بردن کلیه حقوق خلق دارند .
ما مردمان بسیار ساده ای هستیم . ولی سادگیمان آنقدرها نیست که نفهمیم کاسه ای زیر نیم کاسه است . ما دیپلومات نیستیم ، اما عاجز از دیدن دم خروس نمیباشیم . همه دعواها برسر لحاف ملا نصرالدین است ، یعنی برسر گرفتن زمین از طرف دهقان و حق حاکمیتی است که از طرف خلق کسب گردیده است . بدون توجه به زوزه های مطبوعات ارتجاعی تهران که کاسه لیسان عناصر ارتجاعی میباشند ، تمام خلق ایران درک کرده است که حرف برسر جدائی آذربایجان از ایران نیست . کسی هم این را ادعا نمیکند و مانیز هرگز چنین ادعایی نکرده ایم . سخن برسر اجرای اصول دموکراتیک مشروطه در ایران و جامعه عمل پوشاندن به برنامه اصلاحات بزرگی که آغاز کرده ایم در سراسر ایران میباشد . ما دیگر نمیتوانیم بحسن نیت و وطنپرستی آقای قوام السلطنه اعتماد داشته باشیم ، جریان امور شاید برخلاف میل اوست . مارا ده دیگری نداریم ، اصلاحات آغاز شده را نمیتوانیم متوقف کنیم . تهران باید حق حاکمیت تمام مردم ایران را تصدیق نموده و در راه نجات کشور از فلاکت و هرج و مرج ، گامهای جدی بردارد . آقای قوام السلطنه باید بداند که دنیا تغییر یافته و حتی در ایران نیز نسل جدید بوجود آمده است . این نسل را نمیتوان با طرز تفکر و اصول نیم قرن پیش اداره کرد . دیگر اینکه احساس میشد که در بین هیئت وزراء توافق نظر وجود ندارد . اصولاً اکثر وزراء اشخاص اتفافی بوده که آقای قوام السلطنه بنا به مناسبات خصوصی و دوستانه آنها را به کابینه

دعوت کرده است . و اینها هر کدام بجائی وابسته اند ، حتی شایعاتی موجود است که بعضی تازه - بدون رسیده ها و خانمهای درباری نیز بر روی اعضای دولت تأثیر دارند .

تهران بعنوان مرکز فساد واقعا مخوف ، واقعا خطرناک و واقعا ایران را به فلاکت و خلق آن را به گرسنگی و بیچارگی و گدائی سوق میدهد . ما از آنجائیکه جدا طرفدار صلح و سازش و تمامیت ارضی ایران هستیم ، انتظار رهایی از طرف تهران را نداریم . کابینه آقای قوام السلطنه زمانی میتواند کابینه ای با ثبات باشد که با خلق آذربایجان کنار میآید . متأسفانه تاکنون در این مورد موفق نبودن گامی موثر نگردیده است .

حسن نیت و فداکاری ما میتواند شانس بزرگی برای کابینه باشد . اما متأسفانه آقای قوام تا بحال از آن استفاده نکرده است . میخواهیم شما باور کنید که نظرات خصوصی و شخصی بعضی از اعضای کابینه در رفتار آقای قوام السلطنه تأثیر عمیقی گذاشته است . مثلاً شاید برخی از وزرا بعزت اجرای قانون تریاک در آذربایجان دشمن خونین ما شده اند و نظر آنها در رفتار آقای قوام السلطنه منعکس میباشد . متأسفانه فرصتی نیست که از ابلاغیه ای که آقای قوام السلطنه درباره آذربایجان صادر کرده بود ، تجزیه و تحلیلی بعمل آوریم . چیزی که در این سند رسمی ما را بحیرت انداخته ، بمیان کشیدن ساله نفت و انتعابات و گروکشی آنهاست . اولاً مسئله نفت يك مسئله اقتصادی مربوط به سیاست خارجی میباشد . قاطعی کردن آن با مسئله آذربایجان با هیچ منطقی سازگار نیست . بالاخره آقای قوام السلطنه نیز تصدیق دارند که مسئله آذربایجان مسئله داخلی است . کسی مانع از اعلان انتعابات و اجرای آزادانه آن در ایران نمیباشد . مگر آنکه تصور کنیم که دولت صحنه سازیهای گذشته را بخواهد تکرار کند .

مثلاً میخواهد در آذربایجان نیز مانند سایر نقاط بوسیله پول ، زور ، تهدید و تلمیح عده ای دزد و خائن مرتجع بعنوان نماینده ملت ، کرسی های مجلس را اشغال کند . اگر هدف این باشد آذربایجانی به يك چنین مجلسی با دیده نفرت و انزجار مینگرد . حتی خود آقای قوام نیز نمیتواند انکار کند که يك چنین مجلسی مانع از اجرای تعهداتی که ایشان در مقابل اتحاد جماهیر شوروی قبول کرده اند ، خواهد بود . با در نظر گرفتن تمام اینها مصلحت را در آن میبینیم که دولت با خلق آذربایجان بمذاکرته صمیمانه و ساده بپردازد و از او نخواهد که در مورد مسائل حیاتی خلق آذربایجان چشم پوشی کند . آذربایجانی بهیچوجه حاضر باین نشده و نخواهد شد . با تمام اینها از حل مسئله به طریق مسالمت آمیز ما بپس نگشته ایم و از طرف ما هیچ قدمی برای برهم زدن آرامش کنونی برداشته نخواهد شد . حتی سربازان و افسرانهای

فرستاده شده به مرزهایمان موجب تحريك، نخواهد شد. در مورد مسئله ترس و وحشت گمان می-کنم که تمام مرتجعین تهران از قبیل کور میرجواد (میرجواد کور)، امیرنصرت و سایر دشمنان فراری خلق مانند نوالفقاری، این تجربه را از سر گذرانده اند. ما حرف خود را که در زمان کابینه صدر و حکیمی گفته ایم، باز تکرار میکنیم. حمله مسلحانه به آذربایجان، بمنزله بازی کردن با آغاسته. ما آقای قوام را عاقل تر از آن میدانیم که باستخود این آغاسی را مشتعل سازد، اگر چنین وضعی پیش بیاید، خلقمان و ملتمان، زن و مرد بمنابۀ تنسی واحد بیاخاسته و دستهای ناپاک و خائنی را که بسوی سرزمینمان دراز شده است برای همیشه قطع خواهد کرد.

زننده باد وحدت ملی خلق آذربایجان!

زننده باد فرقه، بوجود آورنده این وحدت!

زننده باد قشونهای رشید و فدائی های قهرمان که درهای آزادی را بروی خلقهای ایران گشودند!

* * *

روز چهارشنبه ۸ ساعت بعد از ظهر، در سالن تئاتر دولتی آذربایجان، کنفرانسی با شکوه با شرکت طبقات مختلف مردم تشکیل گردید.

صدر فرقه دموکرات آذربایجان، نخست وزیر حکومت ملی آذربایجان، رهبر محبوب خلقمان آقای پیسه وری درباره مذاکرات هیئت نمایندگی آذربایجان با حکومت تهران به تفصیل سخن گفتند.

بیانات آقای پیسه وری با ابراز احساسات پر شور مواجه شده و بکرات با کف زدننها قطع گردید. سپس بیانات آقای پیسه وری بزبان فارسی نیز خوانده شد. درخاتمه کنفرانس حاضرین با شنیدن گزارش و بیانات آقای پیسه وری، قطعنامه زیر را با اتفاق تصویب نمودند:

قطعنامه

روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۸ ساعت بعد از ظهر در سالن تئاتر دولتی تبریز در کنفرانس عمومی متشکل از طبقات مختلف مردم، بعد از استماع گزارش آقای پیسه وری، رئیس هیئت نمایندگی و صدر فرقه دموکرات آذربایجان، درباره مذاکرات تهران تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

نظریات ابراز شده در مذاکرات با حکومت تهران و مخصوصاً شخص آقای قوام السلطنه مورد

تأیید ما بوده و دفاع باشهات هیئت نمایندگی از آزادی خلق آذربایجان و منافع ملی مورد تقدیر و تمجید است.

ما خلق آذربایجان، امیدواریم که مذاکرات با حکومت تهران مسئله آذربایجان را از طریق مسالمت آمیز حل خواهد کرد.

درخواست‌های عادلانه نمایندگان ما از حکومت تهران، بار دیگر ثابت کرد که خلق آذربایجان خلقی است، صلح طلب. خلق آذربایجان همراه با حفظ آزادی و دموکراسی واقعی تمام ملت ایران، اعلام میدارد که جزئی از ایران بوده و برای حفظ استقلال واقعی آن و آزادی خود خواهد کوشید.

اگر حکومت تهران، در نتیجه تحریکات برخی از عناصر ارتجائی بار دیگر بخواهد ملت آذربایجان را تحت اسارت خود درآورده و یا به آزادی خلقمان تجاوز کند، ما خلق آذربایجان همچون تنی واحد تا آخرین قطره خونمان آماده مبارزه هستیم.

نقل تاریخی آقای پیشه‌وری که در بالا آمد، به فاصله پنج دقیقه از تمام رادیوهای دنیا پخش گردید. بدین ترتیب تمام مذاکرات، که تهران سعی در پنهان نگه داشتن آن میکرد، آشکار گردید.

بعد از نقل آقای پیشه‌وری، چه آذربایجان‌نیان و چه تمام جهان‌نیان، دانستند که حکومت تهران اساسی‌ترین نمره نهفتن، یعنی اصلاحات ارضی را نپذیرفته و هیئت نمایندگی تحت ریاست آقای پیشه‌وری علی‌رغم اصرار و تشبثاتی که حکومت تهران در متوقف کردن آنان در تهران بعمل می‌آورد، به تبریز مراجعت کردند. با این همه فرقه برای جلوگیری از سوء تفاهم به طرق گوناگون آمادگی خود را برای تجدید مذاکرات به حکومت تهران اعلام داشت. لیکن اعلام نمود که به از بین رفتن اختیارات کسب‌شده در نتیجه نهفتن خلقی امکان نخواهد داد. بالاخره در ۳۳ خرداد هیئتی تحت ریاست معاون سیاسی نخست‌وزیر حکومت مرکزی، آقای مظفر فیروز، به آذربایجان اعزام شد. بعد از دو روز مباحثه شدید، مذاکره‌ایکه در تهران ناتمام مانده بود، بصورت زیر تکمیل و موافقت‌نامه امضا گردید:

ابلاغیه ۱۲ اردیبهشت دولت مرکزی در اعلامیه‌ایکه بموقع مراجعت نمایندگان مسالمت‌آمیز از تهران منتشر کرده‌اند، قید شده بود. در اینجا از تکرار آن صرف‌نظر کرده و صورت تکمیلی آن را که در ۳۳-۳-۱۳۲۵ بصورت موافقت‌نامه‌ای امضا گردیده عیناً درج میگردد: